

۵

۸۷/۱۱.۷.۴۲  
۸۷/۱۶۱۲

دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

توسل به زور بر ضد تروریسم

نگارش: مسعود علیزاده

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل  
شهریور ۸۳

۱۳۸۲ / ۱۱ / ۵

به راهنمایی: استاد دکتر موسوی  
مشاور: استاد دکتر میر عباسی

کتابخانه و اطلاعات مرکز علمی ایران  
تهران

۱۰۷۱۵۴



بنام خدا

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه آموزشی حقوق عمومی

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

مسعود علیزاده

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم

گرایش

در رشته حقوق بین الملل

با عنوان: کاربرد زور در برابر تروریسم

۸۳/۶/۲۴

را در تاریخ

به عدد به حروف

۱	نوزده و شصت و یک	۱۹/۸
---	------------------	------

با نمره نهایی:

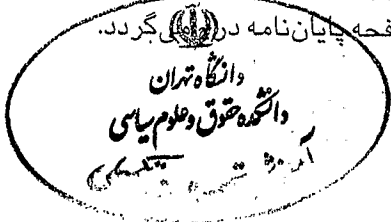
عاک

ارزیابی نمود

و درجه:

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱.	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سید فضل اله موسوی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲.	استاد مشاور	دکتر سید باقر میر عباسی	دانشیار	" "	
۳.	استاد مدعو (یا استاد مشاور دوم)	دکتر محمد جواد رضایی زاده	استادیار	" "	
۴.	استاد مدعو				
۵.	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سید باقر میر عباسی	دانشیار	" "	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج گردد.



## چکیده:

امروزه تروریسم یکی از آفات جامعه بشری را تشکیل می دهد. حقوق بین الملل به عنوان حقوق حاکم بر جامعه بین الملل وظیفه مقابله با این آفت را بر عهده گرفته است. ولی تا به حال به دلیل اختلاف نظر کشورها تعریف دقیقی از این پدیده ارائه نگردیده است. همین امر راه را برای بسیاری سوء استفاده ها باز کرده است. نوشتار حاضر در بخش نخست تلاش می کند تا نگاهی کلی به این موضوع در حقوق بین الملل بیندازد. از دیگر سو، توسل به زور در برابر این موضوعات به روز حقوق بین الملل گردیده است که البته موضوع سوء استفاده های بسیار از سوی دولتها شده است. این نوشتار تلاش می کند تا با بررسی قواعد توسل به زور در حقوق بین الملل تحولات جدید حاصل در حقوق بین الملل را مورد نگاهی موشکافانه قرار دهد.

کلید واژه ها: تروریسم، حق توسل به زور، دفاع مشروع، شورای امنیت، یازده سپتامبر، حمله امریکا به افغانستان

## بخش اول : مفهوم دیر آشنای تروریسم

فصل اول: جایگاه تروریسم در حقوق بین الملل

مبحث اول: واژه شناسی تروریسم

مبحث دوم: نگاهی تاریخی به تروریسم

الف) تروریسم در عهد باستان و قرون وسطی

ب) تروریسم در روزگار معاصر

مبحث سوم : مفهوم حقوقی تروریسم

گفتار اول: تروریسم در حقوق داخلی

۱- حقوق انگلستان

۲- حقوق فرانسه

۳- حقوق ایالات متحده

۴- حقوق بلژیک

۵- حقوق آلمان

۶- حقوق اسپانیا

۷- حقوق لبنان

گفتار دوم: تروریسم در حقوق بین الملل

۱- ایجاد یک چارچوب حقوقی بین المللی برای مقابله با تروریسم: چالشها و مشکلات

۲- اقدامات جامعه ملل در مهار تروریسم

۳- اقدامات ملل متحد برای رویایی با تروریسم

۴- در جستجوی تعریفی برای تروریسم

فصل دوم: تروریسم و مقاومت : نگاهی حقوقی

مبحث اول: شناسایی حق مقاومت در حقوق بین الملل

مبحث دوم: تروریسم یا مقاومت؛ جدالی در دکترین و رویه دولتها

فصل سوم: تروریسم و حقوق بین الملل اسلام

مبحث اول: صلح و احترام به حقوق بشر مبنای شریعت اسلامی

گفتار نخست: اسلام و حقوق بشر

گفتار دوم: اسلام و صلح و امنیت

مبحث دوم: دیدگاه اسلام به تروریسم : تروریسم مخرب صلح و امنیت

گفتار اول: تروریسم و جهاد در اسلام

گفتار دوم: ممنوعیت های اسلام برای مهار تروریسم

بخش دوم: تروریسم و توسل به زور در حقوق بین الملل

فصل اول: قاعده منع توسل به زور و جایگاه آن در حقوق بین الملل

مبحث اول: سیر تاریخی مساله توسل به زور

گفتار اول: توسل به زور قبل از پایان جنگ جهانی اول

گفتار دوم: قاعده منع توسل به زور در فاصله بین دو جنگ جهانی

گفتار سوم: ممنوعیت توسل به زور پس از تصویب منشور ملل متحد

مبحث دوم: محتوای قاعده منع توسل به زور ( تفسیر قاعده)

مبحث سوم: مستثنیات قاعده منع توسل به زور

گفتار اول: سیستم امنیت جمعی

گفتار دوم: دفاع مشروع

فصل دوم : دفاع مشروع در برابر تروریسم

مبحث اول: حقوق بین الملل پس از ۱۱ سپتامبر : نگاه کلی

مبحث دوم : قابلیت دفاع مشروع در برابر تروریسم

گفتار اول: حملات تروریستی به عنوان حمله مسلحانه

گفتار دوم: انتساب عمل تروریستی به دولت

مبحث سوم: بررسی یک نمونه: حمله ایالات متحده به افغانستان: دفاع مشروع یا تجاوز؟

## فصل اول: جایگاه حقوقی تروریسم در حقوق بین الملل:

بی شک جایگاه و مفهوم حقوقی تروریسم برای انجام هر تحقیقی که به این پدیده متصل باشد از ضروریات است. در این چارچوب با گذاری از ریشه یابی تاریخی و تاریخچه تلاش خواهیم کرد تا معنای حقیقی این واژه را در حقوق مورد کنکاش قرار دهیم.

### مبحث اول: واژه شناسی تروریسم

واژه ترور از ریشه لاتینی «ترس» به معنای ترس و وحشت گرفته شده است.<sup>۱</sup> واژگان تروریسم و تروریست از مشتقات این واژه به شمار می روند. فرهنگ معروف لاروس ترور و تروریسم را به ترتیب به «هراس» و «رژیم وحشت» معنا کرده است.<sup>۲</sup> در پیوست تکمیلی فرهنگ لغات فرهنگستان علوم فرانسه نیز تعریفی کاملاً متشابه از تروریسم به چشم می خورد. به لحاظ واژه شناسی تاریخی، کلمه ترور برای نخستین بار در سال ۱۳۵۵ میلادی در زبان فرانسه ظاهر می شود.<sup>۳</sup> و کمی بعد زبانهای انگلیسی و ایتالیایی آن را از فرانسه به عاریت می گیرند.<sup>۴</sup> در ابتدا این واژه به معنای ترس و وحشتی شدید بوده که غالباً در اثر تهدیدی ناآشنا، غیر قابل پیش بینی و مبهم ایجاد می شود. فرهنگ لغت آکادمی فرانسه ترور را احساس روحی عمیقی می داند که در اثر حضور، اعلام یا ترسیم یک خطر بزرگ به وجود می آید. در این ارتباط باید توجه داشت که ترور تنها زاده عمل انسان نیست؛ به بیان دیگر همان قدر که انسانها می توانند موجب هراس باشند، عوامل غیر انسانی (طبیعی) نظیر آتشفشانها، زمین لرزه ها یا حضور حیوانات وحشی می توانند دلیلی برای ترس و وحشت باشند.<sup>۵</sup>

۱- طیب، علیرضا، تروریسم در فراز و فرود تاریخ، در مجموعه: تروریسم: تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق. نشر نی ۱۳۸۲، ص ۱۹

2-Nouveau petit Larousse illustré, Paris, 1938, p. 102

3-Guillaume, G, *Terrorisme et droit international*, in : RCADI, tome 215(1989), p. 297

4-Boulanger, Y, *Histoire du terrorisme en France*, sur le site:

>[http://www.ina.fr/voir\\_revoir/terrorisme/histoire.fr.html](http://www.ina.fr/voir_revoir/terrorisme/histoire.fr.html)<

5-Guillaume, G, op.cit, p 297

به نظر می رسد که این واژه در طول تاریخ همواره جنبه ای منفی نداشته و حتی در طول انقلاب فرانسه ژاکوبن ها<sup>۶</sup> گاه در سخنان و نوشته های خود این اصطلاح را با برداشتی مثبت در مورد خود به کار می برده اند.<sup>۷</sup> عمر این برداشت مثبت از واژه ترور چندان طولانی نبود: پس از نهم ترمیدور، واژه تروریست به صورت ناسزایی در آمد که حکایت از یک عمل بزهکارانه داشت. در همین عصر طولی نمی کشد که تروریسم معنایی معادل حکومت وحشت می یابد. در برابر تجاوز بیگانه و تهدیدات داخلی کنوانسیون ملی در سی ام اوت ۱۷۹۳ حالت ترور را اعلام می کند و تحت این عنوان یک سلسله اقدامات استثنایی را اتخاذ می کند؛ اقداماتی که به گمان انقلابیون آن عصر فرانسه برای تحکیم پایه های انقلاب ضروری بودند. بدین ترتیب ترور تبدیل به یک شیوه حکومتی می شود. شیوه ای که از سوی «کمیته نجات ملی»<sup>۸</sup> و تحت سرپرستی «روبسپیر» به اجرا درآمد. در این معنا تروریسم فرازی از انقلاب فرانسه بود که تقریباً از مارس ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴ را در بر می گرفت. در این دوره ترور به عنوان یک قانون در کنوانسیون ملی به تصویب رسید و در همان سال یعنی سال ۱۷۹۳ در حمله موسوم به ترور اول بیش از ۲۰ هزار نفر از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوادار سلطنت خودکامه در سراسر فرانسه کشته شدند.<sup>۹</sup>

۶- از گروه های تندرو در انقلاب فرانسه این گروه پس از سقوط روبسپیر در نهم ترمیدور شوکت و نفوذ خود را از کف داد.

برای توضیحات بیشتر بنگرید به

-Nouveau petit Larousse illustré, op cit, p.1459

۷- طیب، علیرضا، پیشین، ص ۲۰

8-Le comité du salut public

۹- پیشین، ص ۱۹

در پایان قرن نوزدهم، واژه تروریسم معنای تازه ای می یابد. حملات «پوچ گرایان»<sup>۱۰</sup> در دهه ۱۸۸۰ در روسیه و سپس «هرج و مرج گرایان»<sup>۱۱</sup> در دهه ۱۸۹۰ در سراسر اروپا به عنوان اقداماتی تروریستی مورد خطاب قرار می گیرند. بدین ترتیب تروریسم نه تنها برای توصیف ترور دولتی بلکه برای توصیف ترور انجام شده بر ضد دولت نیز به کار می رود. این دو مفهوم در فاصله دو جنگ جهانی همچنان رایج هستند. در این سالها تروتسکی کتاب «دفاع از تروریسم» را به چاپ می رساند و در آن ترور اعمال شده به نام طبقه کارگر (پرولتاریا) را توجیه می کند. در همین عصر و به دنبال ترور الکساندر پادشاه یوگسلاوی، جامعه ملل دو کنوانسیون بین المللی را تهیه می کند که یکی از آنها کنوانسیون راجع به «پیشگیری و سرکوب تروریسم» است.

تحولات چند دهه اخیر در زمینه تروریسم این واژه را به اقدامات انجام گرفته بر ضد مقامات دولتی محدود کرده است؛ حال آنکه در مورد اعمال انجام گرفته بوسیله دولتها امروزه عمدتاً از واژه «ترور دولتی» یا «تروریسم دولتی» استفاده می شود.<sup>۱۲</sup>

در ادامه شاید نگاهی تاریخی، هرچند مختصر برای آشنایی هرچه بیشتر با این پدیده انسانی چندان بیراه نباشد؛ چه حقوق نظیر تمام شاخه های علوم انسانی بی نیاز از تاریخ نیست.

### **مبحث دوم: نگاهی تاریخی به تروریسم**

نگاهی تاریخی به تروریسم نشان می دهد که هیچگاه جوامع بشری از این پدیده خالی نبوده است. به بیان بهتر تروریسم و توسل به خشونت کور، برای رسیدن به هدف، تاریخچه ای بس دراز دارد. علیرغم عدم تفاوت ماهوی بین تروریسم در روزگار نو و عهد باستان، ملاحظات

10-Nihilistes

11-Anarchistes

12-Guillaume,G,op cit,p.298



تاریخی و تفاوت‌های کمی این دو دوره ما را بر آن می‌دارد تا در دو قسمت این پدیده را مورد ملاحظه قرار دهیم:

### الف) تروریسم در عهد باستان و قرون وسطی

تروریسم یا بیان بهتر خشونت سیاسی برای ضربه زدن به مخالفان از سپیده دم تاریخ تاکنون پدیده رایج بوده است. شاید قتل هابیل به دست قابیل نخستین اقدام خونین برای کسب امتیازات دنیوی بیشتر باشد. امری که با گسترش جامعه بشری ابعادی نو و خشونت بارتر یافته است. نگاهی به تاریخ یونان باستان نشان می‌دهد که از همان دوران، ترور آخرین حربه مظلومان برای مقابله با حکام ستم پیشه بوده است: ماجرای کشته شدن «هیپارک» حکمران ستمگر آتن بدست «هارمودیوس» و «آریستو ژیتون» نمونه ای از این وقایع است.<sup>۱۳</sup> دقیقاً به همین دلیل «سیسرون» حکیم رومی در کتاب خود موسوم به «اخلاق» کشتن ستمگران را موجه قلمداد کرده است.<sup>۱۴</sup> لیکن ترور بویژه ترورهای شخصی، همواره مزین به انگیزه های اخلاقی متعالی نبوده است؛ بویژه آن هنگام که به هوا و هوسهای شخصی آلوده می‌شده است؛ قتل ژولیوس سزار به دست بروتوس نمونه ای از این قتلهاست.<sup>۱۵</sup>

۱۳ - تراننشال، ژو، ترورهای تاریخ، ترجمه دکتر هادی فراسانی، شرکت انتشارات مجد، ۱۳۷۱، صص ۲۷-۲۵

۱۴ - پیشین، ص ۱۵

۱۵ - ژولیوس سزار (۱۴۴-۱۰۱ ق.م) امپراتور پر آوازه روم در ۱۵ مارس ۴۴ پیش از میلاد، در مجلس سنا به دست گروهی از توطئه گران که در میان ایشان بروتوس فرزند خوانده وی نیز مضمور داشت به قتل رسید. بروتوس پس از این واقعه، در پی عذاب وجدان در شرکت در حکومت توطئه گران فوجداری کرد و سرانجام دست به انتقام زد.

برای جزئیات این سه، قصد نگاه کنید به:

اما شاید بتوان نخستین ریشه های ترور سازمان یافته در عهد باستان را در «جنبش سیکاری» جست.<sup>۱۶</sup> سیکاری یک فرقه بسیار سازمان یافته مذهبی مرکب از مراتب پائینی اجتماع یهودیان فلسطین باستان بود که در مبارزه با سلطه رومیان در فلسطین آن روز فعال بودند. به گفته مؤرخان از جمله ژوزفوس فلافیوس سیکاری ها از تاکتیکهای نامتعارفی چون حمله به دشمنان خود در روز روشن و ترجیحاً در روزهای تعطیل که انبوه مردم در اورشلیم گرد هم می آمدند بهره می جستند. سلاح دلخواه آنان خنجر یا دشنه ای کوتاه به نام «سیکا» بود که آن را در زیر جامه خود پنهان می کردند. از جمله اقدامات تخریبی سیکاری ها می توان به آتش کشیدن انبارهای غله و خرابکاری در شبکه آبرسانی اورشلیم اشاره کرد. میهن خواهی یا ناسیونالیسم انگیزه اصلی این گروه را تشکیل می داد.

قربانیان آنها چه در فلسطین چه در میان یهودیان مصر افراد میانه رویی بودند که حزب صلح یهودیان به شمار می رفتند. بر اساس اصول اعتقادی سیکاری ها تنها سرور انسان خدای یگانه است و با هیچ قدرت زمینی نباید بیعت کرد. در این راستا نیازی به روحانیون به عنوان واسطه میان مردم و خداوند نیست. البته هستند مورخانی که سیکاری ها را نوعی جنبش اعتراض اجتماعی می دانند که در پی شوراندن تهیدستان بر ضد ثروتمندان بوده اند. بنابراین طرز تفکر این گروه آمیزه ای از اعتقادات مذهبی، اخلاقی و قوم گرایانه بوده است.<sup>۱۷</sup>

لیکن پدیده تروریسم در روزگار باستان تنها به خاور نزدیک محدود نبود. در هندوستان و خاور دور نیز قرن ها انواع انجمن های سری تروریستی وجود داشت. «تاگ ها» در هندوستان یکی از این گروه ها بودند. ایشان ترور و تخریب را وسیله ای برای تقرب به خدایان خود می

---

16-Burgess, M, A brief history of terrorism, available in:

<<http://www.cdi.org/program/document.cfm?documentID>>

۱۷-طیب، علیرضا، پیشین، صص ۲۴-۲۵

دانستند. تاگ ها دشمنان خود را با ابریشم خفه می کردند. آنان هرگز هیچ اروپایی را نکشتند. این گروه مرگ را خوار می شمردند و نسبت به آن بی اعتنا بودند. در یک نگاه کلی اهداف تاگ ها بیشتر مذهبی بود تا سیاسی و اگر گاه جنبه سیاسی پیدا می کرد، جنبه مذهبی بر آن غلبه داشت. لذا در بررسی پدیده تروریسم سیاسی بیش از این نمی توان به آن اشاره کرد.<sup>۱۸</sup>

قرون وسطی چه در اروپا، چه در مشرق زمین مشحون از حوادث تروریستی است. شاید حشاشین یا اسماعیلیان ایران در قرن یازدهم میلادی نمونه ای بارز از تروریسم روزگاران دور باشد.<sup>۱۹</sup> این گروه که در سده یازدهم میلادی سر برآوردند تا سده سیزدهم میلادی که توسط مغولان سرکوب شدند در الموت، قومس و قهستان و دیگر دژهایی که تعداد آنها تا ۱۰۵ مورد ذکر کرده اند فعال بودند. این گروه نقش مهمی در حوادث این دو سده بازی کرده، در آن واحد با سلجوقیان، خلفای عباسی و صلیبیون به معارضا پرداخته و گاه با شیوه هایی بدیع دست به ترور شخصیت های برجسته آنها میزدند.<sup>۲۰</sup> ظاهراً نخستین اقدام تروریستی فدائیان اسماعیلی در ایران قتل مؤذن ساوجی در اصفهان بوده است که در آن قضیه اسماعیلیان از بیم افشا شدن رازشان، وی را به قتل رساندند. پس از مدتی، اسماعیلیان حدود فعالیت خود را گسترش دادند و بسیاری از وزراء و صاحب منصبان من جمله خواجه نظام الملک طوسی، کنت ریموند دوم و مارکی کنراد پادشاه صلیبی اورشلیم را به قتل رساندند. رشیدالدین

۱۸- همان، ص ۲۵

۱۹- برای اطلاعات بیشتر در مورد اسماعیلیان نگاه کنید به:

- لویس، برنارد، *بنیادهای کیش اسماعیلیان*، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات و سیمین، تهران، ۱۳۷۰ و نیز

- دفتری، دکتر فرهاد، *تاریخ عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فرزاد، (روز، ۱۳۷۵)

۲۰- پناهی سمنانی، محمد احمد، *مسئله صیاح (پهزه شگفت انگیز تاریخ)*، کتاب نمونه، ۱۳۶۴، صص ۱۷۲-۱۸۱ برای مثال در مورد قتل کنراد

قاتلان وی آنچنان به خوبی به زبان کنراد یعنی زبان فرانسه سخن می گفتند که توانستند اعتماد وی را جلب کرده، به وی نزدیک شوند و

نقشه خود را به اجرا درآورند.

فضل‌الدین دقیقاً ۴۸ قتل سیاسی را به حسن صباح مؤسس این فرقه در ایران نسبت می‌دهد.<sup>۲۱</sup> آنچه مسلم است این است که از منظر تاریخی مبارزه حشاشین یک مبارزه ملی و مذهبی برای دفاع از خود در برابر دشمنانشان من جمله سلجوقیان و خلفای عباسی بوده است. هرچند این گروه از حربه ترور به عنوان آخرین راهکار استفاده می‌کرده است.

لیکن، در این سالها ترور تنها به مشرق زمین محدود نبوده است. اروپای قرون وسطی نیز در این اوان خالی از قتل و خشونت نبود. جدا از جنگهای داخلی و نبردهای سلاطین اروپا که تصویر خونینی را برای اروپا رقم زده اند.<sup>۲۲</sup> قتل و ترورهای سیاسی نیز کم در این قاره به چشم نمی‌خوردند. ترور اتین مارسل در ۱۳۵۸ میلادی، ترور دوک اورلئان و دوک بورگونی در سال ۱۳۹۱، ترور برخی از اعضای خاندان مدیسی در فلورانس در ۱۴۷۸، قتل فرزندان ادوارد چهارم، ترور دوک الکساندر، دوک فلورانس، به دست جوانی به نام «لورنزیانو» و ترور هانری چهارم بوسیله فرانسوا راویاک و در نهایت ترور لویی پانزدهم به وسیله دامین و بسیاری حوادث دیگر تنها شمه ای از جمله وقایع تروریستی قابل ذکر در این راستا هستند.<sup>۲۳</sup>

این نگاهی بود مختصر به پدیده تروریسم در روزگاران دور؛ ولی باید توجه داشت که در پایان قرون وسطی و آغاز عهد نوزایی تروریسم، همچون گذشته باقی نماند و در روزگار نو ابعادی جدید یافت. در ادامه به بررسی این پدیده در روزگار جدید خواهیم پرداخت.

۲۱- پیشین، ص ۱۱۴۷

۲۲- از جمله جنگهای داخلی این دوره می‌توان به جنگهای داخلی ایتالیا اشاره کرد که در فاصله سالهای ۱۴۹۲-۱۵۱۶ این کشور را در گرداب خون فرو برد. جنگهای سلاطین فرانسه، انگلستان، هلند یا اسپانیا نمود مکایتی دیگر است که این دوره کمتر از آن فالی بوده است. برای

مطالعه بیشتر در فصول تاریخ اروپا در این عصر نگاه کنید به:

-Rudel, Jean et Jacques LeGoff, *Du moyen âge aux temps modernes (1328-1715)*, BORDAS Paris, 1965

۲۳- برای اطلاعات بیشتر در فصول این وقایع بنگرید به:

## ب- تروریسم در روزگار معاصر

در مقایسه با تروریستهای روزگار باستان، تروریستهای معاصر مقوله کاملاً متفاوتی را تشکیل می دهند. ظلم که زمینه اصلی واکنشهای خشن را تشکیل می دهد به دو شکل ملهم و مغذی فعالیت‌های تروریستی بوده است. رواج حکومت‌های مطلقه و سرکوب خلقها نمی توانست نتیجه ای بهتر از خشونت کور در پی داشته باشد. از سوی دیگر استعمار کهن که ویژگی عصر جدید به شمار می رود عامل مضاعفی برای برانگیختن تروریسم محسوب می شد. به طور کلی انقلاب فرانسه و خیزش آزادیخواهانه ناشی از آن نقطه عطفی در تاریخ بررسی این پدیده محسوب میشود. مردم فرانسه خسته از تاریخ استبدادی طولانی باردیگر در چنگ استبدادی مطلقه این بار به نام آزادی و حکومت مردم گرفتار می شوند. در این سالها انقلابیون فرانسه «تروریسم دولتی» را بهترین راه چاره برای مقابله با خطرات تهدید کننده انقلاب می دانند. تروری که به تعبیر روربسیپر «چیزی جز عدالتی فوری، شدید و غیر قابل انعطاف نبود.»<sup>۲۴</sup> پس از کنگره وین در سال ۱۸۱۵ و سرکوب آمال آزادیخواهانه ای که انقلاب فرانسه با خود به ارمغان آورده بود، بار دیگر موج ترور اروپا را در بر گرفت. در این دوران جنبش کاربونی در ایتالیا، جنبش بورخن شافت یا انجمن دانشجویان وحدت طلب در آلمان یا جنبش دانشجویی یوگ-اسلاو همگی مولود سرخوردگی ناشی از سرکوب حقوق حقه ملل می باشد؛ امری که در نهایت صورتی از تروریسم را به خود می گرفت.

لیکن تروریسم سیستماتیک در نیمه دوم قرن نوزدهم وارد مرحله جدیدی می شود. در این میان روسیه بیش از همه ممالک عرصه فعالیت سازمانهای تروریستی قرار می گیرد.<sup>۲۵</sup> در این

-ترانشار، ژو، پیشین، صص ۱۰۲-۶۲

24-Guillaume, G, op. cit, p.297

25-Burgess, A, op. cit, p.3

میان جنبشهای روسی تروریستی، گروه «نارودیاولیا» یا اراده مردم اهمیت بیشتری داشت. این جنبش نماینده تمام عیار یک سازمان تروریستی هوادار خشونت انقلابی در دوران نو بود.

دومین موج بزرگ تروریسم در روسیه را حزب انقلابیون اجتماعی و با ترور وزیر امور داخله روسیه به دست بالماشف به راه می‌اندازند. از جمله ترورهای چشمگیر این حزب می‌توان به ترور «پلف» وزیر کشور رژیم تزاری در یکی از خیابانهای سن پترزبورگ در سال ۱۹۰۴ اشاره کرد. دو موج تروریستی اخیر روسیه تقریباً از لحاظ ایدئولوژی و اقدام بر ضد دولت مشابهت بسیار داشتند و تنها تفاوت عمده آنها، تفاوت از لحاظ گستره مبارزه تروریستی بود.<sup>۳۶</sup> سومین موج تروریستی روسیه را باید نوع تروریسم سازمان یافته دولتی دانست حدود یک قرن پس از تروریسم دولتی ژاکوبین‌ها، بلشویکها بار دیگر ستایشگر مفهوم «ترور دولتی» شدند در این عصر تروتسکی در فردای انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ برای مقابله با دشمنان انقلاب، تروریسم پرولتاریا را می‌ستاید. به گمان لنین:

« ما هرگز اصل ترور را به کنار نمی‌گذاریم و این کار را در آینده هرگز نخواهیم کرد. ترور شکلی از عملیات نظامی است که می‌تواند به طور مفید مورد استفاده قرار گیرد و حتی در برخی لحظات استعمال آن در نبرد ضروری است ... »<sup>۳۷</sup>

در همین سالها موج بلندی در تروریسم در دهه ۱۸۹۰ دامن گیر قاره اروپا می‌شود. هواداران آنارشیسم بر این باور بودند که بهترین راه متحقق ساختن تغییرات سیاسی - اجتماعی انقلابی به قتل رساندن اشخاصی است که مناصب قدرت را در اشغال دارند. در همین سالها آرمانهای ملی گرایانه بویژه در اروپای شرقی و بالکان انگیزه‌ای قوی برای دست زدن به اقدامات

۳۶- طیب، علیرضا، پیشین، ص ۲۵-۲۶

27-Gotovitch, José, "quelques reflexions historiques à propos du terrorisme", in: Reflexions sur la définition et la répression du terrorisme, université libre de Bruxelles, 1970, p. 18

تروریستی بود. اقدامات تروریستی آرامنه پس از قتل عام مشهور ۱۹۱۵ و اقدامات خشونت بار ملی گرایان لهستانی ، بلغاری و صرب نمونه‌های واضحی از این نوع ترور هستند. لیکن آرمانهای ملی‌گرایانه تنها محرکی برای ترور در شرق اروپا نبود. ایرلند و شبه جزیره ایبری نیز محیطی مناسب برای رشد تروریست‌های میهن‌خواه بود. ارتش جمهوریخواه ایرلند احتمالاً قدیمی‌ترین سازمان تروریستی است که هنوز هم به حیات خود ادامه می‌دهد. در طول قرن گذشته بسیاری از جوانان سر خورده کاتولیک با قلبی مالامال از نفرت انگلیسی‌ها در ارتبس سازمان یافته جمهوریخواه ایرلند ثبت نام می‌کردند تا برضد پلیس پروتستان ایرلند و ارتش انگلستان دست به عملیات مسلحانه بزنند.

در اسپانیا نیز تروریسم سیاسی بسیاری از صفحات تاریخ معاصر این کشور را به خود اختصاص داده است. در این کشور در سراسر سده نوزدهم خشونت سیاسی پدیده‌ای رایج بود. پیدایش جنبش طبقه کارگر در گسترش شدت فعالیت‌های تروریستی نقشی عمده داشت. در پایان قرن نوزدهم بار دیگر فعالیت‌های آنارشیستی جانی دورباره می‌گیرد و حتی در جنگ‌های داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. در آخرین مراحل دیکتاتوری فرانکو ، مرکز ثقل تروریسم به منطقه باسک انتقال یافت ولی در این منطقه نیروی پیش برنده اصلی جدایی طلبی بود که گاه مانند "اولستر" چهره مارکسیستی به خود می‌گرفت.

نکته قابل توجه اینکه تا جنگ جهانی اول تروریسم را پدیده‌ای متعلق به گروه‌های چپ می‌دانستند و لیکن حوادث پس از جنگ بین الملل اول نشان داد که سرشت تروریسم با هیچ ایدئولوژی همخوانی کامل ندارد. در واقع نه ایرلندی‌ها ، نه مبارزان آزادی مقدونیه ، نه ارمنی‌ها و نه تروریست‌های بنگالی به هیچ وجه ملهم از سوسیالیسم یا آنارشیسم نبودند.<sup>۲۸</sup>

در این سالها البته تروریسم تنها خاص اروپا نبود. در خاورمیانه و بویژه پس از جنگ جهانی اول اخوان المسلمین و دیگر گروههای تندرو دست راستی مانند گروه مصر جوان به تروریسم سیستماتیک روی آوردند و دو تن از نخست وزیران و تعدادی دیگر مقامات برجسته این کشور را از پای درآوردند.<sup>۲۹</sup> در دوران فلسطین تحت الحمایگی دو گروه یهودی "اشترن" و "تایرگون" به فعالیت‌های تروریستی برضد اعراب و دولت انگلستان دست می‌زدند. گروه اشترن در سال ۱۹۴۸، کنت برنات میانجی ملل متحد را در قدس ترور کرد. در سالهای بعد مناخیم بگین رهبر ایرگون و اسحاق شامیر یکی از رهبران گروه اشترن به نخست‌وزیری اسرائیل رسیدند.<sup>۳۰</sup> از این رو جای شگفتی نیست که دولت اسرائیل در تمام دوران حیات خود تا به امروز برای از میان برداشتن مخالفان خود و مبارزان فلسطینی و لبنانی از شیوه‌های تروریستی سود جسته است.<sup>۳۱</sup>

شرق دور نیز از تروریسم خالی نبوده است. در ژاپن جدای از چندین وزیر مختلف کابینه، دو نخست وزیر پیش از پایان قرن نوزدهم و یکی هم در سال ۱۹۳۲ در توکیو به قتل رسیدند. در طول دهه ۱۹۳۰ گروهی از افسران دون پایه دست به ترور آلودند و حتی کوششی برای کشتن امپراطور صورت گرفت. اقدامات آنها تأثیر مشخصی بر رفتار سیاست خارجی ژاپن داشت در این‌گیرو دار کشور ما ایران نیز از پدیده شوم تروریسم بی‌بهره نبوده از ترور ناصرالدین شاه قاجار که باید آن نقطه شروع تروریسم سیاسی معاصر دانست این پدیده در کشور ما به اشکال

۲۹- همان، ص ۳۰

۳۰- سیمبر، رضا، تروریسم در (روابط بین الملل، پادشاه و امیدها، مجله راهبرد، پاییز ۱۳۸۰، ص ۷۰

۳۱- تاریخ رژیم صهیونیستی ملامال از این ترورهاست. پس از ترور بسیاری از رهبران مقاومت لبنان و فلسطین چون خالد الوزیر در تونس)

۱۹۸۸)، شهید عباس موسوی دبیر کل حزب الله لبنان در بیروت به همراه خانواده اش (۱۹۹۲)، قتمی شقاقی، دبیر کل نهاد اسلامی فلسطین)



گوناگون حضور داشته و بسیاری را به خاک و خون افکنده است. در همین چارچوب می توان به ترورهای مختلف چهره های مختلف افراد انقلابی در روزهای نخست انقلاب اشاره کرد که بزرگانی چون رجایی، باهنر، مطهری، بهشتی و... را طعمه عمل خود نمود.

با پایان جنگ سرد تروریسم، نیز وارد ابعاد تازه ای شده است که در رسانه های غربی بیشتر از آن تحت عنوان "تروریسم بنیادگرا" می شود. این تروریسم از دهه ۱۹۸۰ به تعد موج تازه ای پیدا کرده است که از جمله آنها می توان به ترور "انورسادات" رئیس جمهور مصر به دست خالد اسلامبولی، انفجار یک خودرو در دمشق توسط اخوان المسلمین در ۲۹ نوامبر همان سال، ترور مهاتما گاندی در سال ۱۹۴۸، ایندیرا گاندی نخست وزیر هند در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳، ترور راجیو گاندی فرزند وی در یک میتینگ انتخاباتی در سال ۱۹۹۱ و انتشار گاز سمی در مترو توکیو توسط هواداران فرقه آئوم شین ریکیو در ۲۰ مارس ۱۹۹۵ اشاره کرد. شاید آخرین و عظیم ترین این اقدامات که به ادعای برخی بزرگترین حادثه تروریستی در طول تاریخ بوده است عملیات کوبیدن سه فروند هواپیمای مسافربری امریکایی با سرنشینان آن به دو برج دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک و مرکز پنتاگون در واشنگتن بوده که جهان همچنان در بازتابهای آن گرفتار است.<sup>۳۲</sup>

### مبحث سوم - مفهوم حقوقی تروریسم

در مباحث تمهیدی گذشته از ریشه های لغوی و تاریخی تروریسم سخن به میان آمده در اینجا این سؤال مطرح است که آیا تمام اعمالی که بیشتر تحت عنوان "تروریسم" توصیف شدند،

---

۱۹۹۶) و ترور نافرجام خالد مشعل در عمان (۱۹۹۷)، ترور شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی در آوریل ۲۰۰۴ بزرگ دیگری بر مبنایات این

(ژیم افزوده است.

۳۲ - طیب، علیرضا، پیشین، صص ۳۲-۳۶

فی الواقع به لحاظ حقوقی نیز اعمال تروریستی هستند؟ به تعبیر بهتر آیا تروریسم یک جرم بین المللی است؟ آیا تروریسم در حقوق بین الملل قابل تعریف است؟

در همین راستا تلاش خواهیم کرد تا تروریسم را به عنوان یک پدیده، مستقل از عوامل توجیه کننده آن مورد توجه قرار دهیم. این نگاه به هیچ وجه نباید از ارزش مطالعات جامعه شناختی و روان شناختی راجع به تروریسم - که بی شک مکمل مفهوم حقوقی آن است - بکاهد.

علی ای حال بر این سؤال با نگاهی به حقوق داخلی کشورها تلاش خواهیم کرد تا به مفهوم حقوقی این پدیده نزدیک شویم. لیکن آنچه آنجا که خواهیم دید جز با مطالعه مجموعه پیچیده ادبیات حقوقی موجود در باب تروریسم نمی توان به مفهومی حقوقی در این خصوص دست یافت.

### **گفتار اول - تروریسم در حقوق داخلی**

برای درک مفهوم تروریسم در حقوق بین الملل، تلاش برای شناخت این پدیده در عرصه نظامهای حقوقی داخلی امری مستحسن است. از این رو ذیلاً برخی از نظامهای حقوقی مورد بررسی قرار می گیرد: نکته قابل توجه اینکه در حالی که برخی از نظامهای حقوقی اخیراً به تعریف این پدیده دست زده اند، در بسیاری از دیگر کشورها اعمال تروریستی در قالب سایر جرائم قابل کیفر نظیر قتل، ضرب و جرح مورد مسائله و عقاب قرار می گیرند. آنچه آنچنانکه در ادامه خواهیم دید، هماهنگی کاملی نیز بین این تعاریف به چشم نمی خورد.

#### **۱- حقوق انگلستان**

مطابق بخش ۱۴ قانون ۱۹۷۶ تروریسم انگلستان که در سال ۱۹۸۴ مورد بازنگری قرار گرفت، تروریسم اینگونه تعریف شده بود "استعمال خشونت با اهداف سیاسی از جمله استعمال هر نوع خشونت با هدف ایجاد ترس در بین عامه یا بخشی از عامه مردم."

در این چارچوب واژه "خشونت" تنها زور فیزیکی را در برنمی‌گیرد بلکه دیگر اشکال فشار را نیز شامل می‌شود، به عبارت دیگر این قانون به نوع وسایل به کاربرده شده یا نوع اعمال ارتكابی توجه ندارد و هرگونه اقدام بر ضد اموال، اشخاص را صرفنظر از شدت آن را در برمی‌گیرد. تنها هدف تعقیب شده مورد توجه است: خشونت باید با هدف سیاسی انجام گرفته باشد. در نتیجه این قانون نسبت به فعالیتهای تروریستی که اهدافی دیگر را تعقیب می‌کردند اعمال نمی‌شد. از سوی دیگر این قانون اعمال خشونت بار سیاسی را در بر می‌گرفت که هدف ایجاد رعب را نداشتند. واضح بود که این قانون برای تسهیل و سرکوب تروریسم در ایرلند شمالی طراحی شده بود و لذا هدف پیش گفته چارچوب محدودی را برای تروریسم در نظر گرفته بود<sup>۳۳</sup>. تحولات سالهای بعد نشانگر ضرورت تغییر در این قانون بود. از این رو در سالهای ۱۹۸۹ (قانون پیشگیری از تروریسم) و ۱۹۹۶ قانون ایرلند شمالی مورد بازنگری قرار گرفت. آخرین تغییر در این خصوص به سال ۲۰۰۰ میلادی بازمی‌گردد که در آن تعریف جدیدی از تروریسم ارائه گردید به گونه‌ای که تروریسم شامل اعمالی گردید که انگیزه دینی و ایدئولوژیک را در کنار انگیزه سیاسی در خود داشته باشد<sup>۳۴</sup>. ضمن اینکه تهدید به این اعمال نیز تروریسم محسوب شد. این قانون، دو قانون پیشگیری از تروریسم (۱۹۸۹) و ایرلند شمالی (مقررات فوق العاده) ۱۹۹۶ را به حالت تعلیق درآورد. در این قانون تروریسم اینگونه تعریف شده است:

“ ۱- در این قانون، تروریسم به معنی عمل یا تهدید به انجام عملی، در جایی است که

الف- عمل در چارچوب پاراگراف (۲) قرار گیرد

33-Guillaume,G,op.cit,pp.300-301

34-pour plus de renseignements consulter le site suivant:

<[www.nationmaster.com/encyclopedia/Terrorism-Act-2000](http://www.nationmaster.com/encyclopedia/Terrorism-Act-2000)>

ب- آن عمل یا تهدید به انجام آن برای تأثیر گذاری بر حکومت یا ایجاد هراس در بین عامه یا بخشی از ایشان طراحی شده باشد.

ج- آن عمل یا تهدید به انجام آن با هدف پیشبرد یک قضیه سیاسی ، مذهبی یا ایدئولوژیکی انجام شود.

۲- عمل در چارچوب این قانون قرار می‌گیرد ؛ اگر

الف- مشتمل بر خشونتی جدی بر ضد شخص باشد.

ب- مشتمل بر خسارتی جدی به اموال باشد

ج- حیات شخصی ، غیر از فرد مرتکب را به خطر اندازد.

د- خطر جدی برای سلامت و رفاه عموم یا بخشی از مردم ایجاد کند ؛ یا

هـ- به گونه‌ای طراحی شده باشد که در سیستم الکترونیکی دخالت کرده یا آن را مختل نماید.<sup>۳۵</sup>

روشن است که این قانون به خوبی تلاش کرده تا اقدامات تروریستی ایدئولوژیکی و نیز سابوتاژ الکترونیکی را در خود بگنجانند تا سال ۲۰۰۴ ، پانصد تن به موجب این قانون دستگیر شده‌اند در حالی که تنها ۷ تن رسماً تحت این قانون با کیفر خواست مواجه شده‌اند\* . جالب توجه است که این قانون به اصطلاحات بکار رفته در این مصوبه ، جنبه جهان شمول داده است. یعنی "عمل" انجام شده تنها به بریتانیا محدود نشده و می‌تواند در هر جای جهان ارتکاب یابد. به علاوه "حکومت" و "مردم" نیز به ترتیب تنها حکومت مردم بریتانیای کبیر را برنمی‌گیرد بلکه شامل هر حکومت در جهان و تمام افراد است.

35-Ibid

\*Ibid